

۱
بررسی وضعیت مشارکت سیاسی زنان و توجه به این وجه از زندگی زنان سالهاست که مدّ نظر بسیاری قرار گرفته است. اما مشارکت سیاسی زنان در جوامع و کشورهای گوناگون، چهره ای متفاوت از خود نشان می دهد. به این معنا که در برخی از جوامع و کشورهای در حال توسعه، زنان با مسائلی متفاوت از دیگر جوامع روبه رویند. از جمله می توان به عدم استقلال اقتصادی زنان و نیز عدم توجه به حقوق اساسی آنان، پایین بودن سطح سواد و آگاهی و ... اشاره کرد. در دهه های اخیر بهبود ابعاد مختلف زندگی زنان در سطح جهانی موردعنايت خاصی قرار گرفته است. و دولت ها بنا به تأکید سازمان های بین المللی در قالب برنامه های توسعه ای به ارتقای سطح زندگی آنان مبادرت ورزیدند.

در ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحولات چشمگیری در حوزه مسائل زنان رخ داده است. در واقع وقوع انقلاب اسلامی و حضور همه جانبه زنان در جریان انقلاب، نقطه آغازین برای این تحولات بود. در سال های بعد از پیروزی انقلاب تحولات وسیعی در حوزه فرهنگی و اجتماعی و حقوقی زنان به وقوع پیوست. از جمله این تحولات، تدوین قانون اساسی است که در آن زنان دارای حقوق همه جانبه و فراگیری همچون مردان شدند. در مقدمه قانون اساسی، ضمن اشاره به نقش زنان در شکل گیری انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... زنان توجه خاص شده است. از دیگر تحولات، ارتقای امنیت و منزلت اجتماعی زنان است. همچنین ارتقای سطح سواد و آموزش به صورت گسترده نیز از تحولات ایجاد شده در امور آنهاست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱-Women's Political Participation

در واقع در دودهه اول بعد از انقلاب، زنان در سایه تحولات وسیع به بالندگی دست یافتند. اما این تحول نیازمند این است تا همه جوانب را در بر گیرد. به این معنا که طبق قانون اساسی، زنان نیز از حق حضور در عرصه های مدیریت و تصمیم گیری نیز برخوردارند. در سال های

جنگ ، به علت درگیری نظام در امور جنگ و مسائل وابسته به آن ، مجال پرداختن به موضوع مشارکت سیاسی زنان نبود. اما در دهه هفتاد که دهه آرامش و بازسازی بود این امر مورد غفلت واقع شد . در سال ۱۳۷۶ در جریان انتخابات هفتم ریاست جمهوری ، سید محمد خاتمی با داعیه تأکید بر توسعه و ارتقای مشارکت سیاسی و حقوق شهروندی و قانون گرایی و شایسته سالاری و... به عنوان یکی از کاندیدها ی ریاست جمهوری اعلام کرد که، زنان در برنامه ریزی های آینده وی جایگاه ویژه ای دارند . از این رو موضوع این مقاله بررسی عملکرد دولت اصلاحات در حوزه ارتقای مشارکت سیاسی زنان است . در این مقاله از نظریه توانمند سازی زنان که از سوی سارا لانگه رائه شده مورد استفاده قرار گرفته است.



۱. Women's Rehabilitation Theo

۲. (سارا لانگه) از کاشناسان زن در حوزه آفریقا است که در نظریه اش به دنبال ایجاد راه های ارتقای کنترل زنان در بیشتر جنبه های زندگی شان است. در این نظریه زنان در دگرگونی مؤثر در فرایند توسعه از عناصر منفعل به بازیگرانی مستقل و توانا تبدیل می شوند.

مشارکت سیاسی و شاخص های آن:

در تعریف مشارکت سیاسی ، دایره المعارف علوم اجتماعی آورده است ((مشارکت سیاسی عبارت است از آندسته از فعالیت های داوطلبانه ای که اعضای جامعه در انتخاب حکام به طور

مستقیم و غیر مستقیم در شکل گیری سیاست های عمومی انجام می دهند)).
(Macclusky, ۱۹۶۸:۲۴۳)

برای مشارکت سیاسی شاخص های وجود دارد که راش این شاخص ها را این گونه بر می شمارد :

- ۱- دارای پُست سیاسی یا اجرایی؛
 - ۲- خواهان پُست سیاسی یا اجرایی؛
 - ۳- عضو فعال سازمان سیاسی یا اجرایی؛
 - ۴- عضو فعال سازمان شبه سیاسی ؛
 - ۵- عضو غیر فعال سازمان سیاسی یا اجرایی ؛
 - ۶- عضو غیر فعال سازمان شبه سیاسی ؛
 - ۷- شرکت در مباحث سیاسی غیر رسمی ؛
 - ۸- علاقه مندی به شرکت در امور سیاسی ؛
 - ۹- رأی دادن .(راش، ۱۳۷۷:۱۲۶)
- اما شاخص ها و مؤلفه های مشارکت سیاسی در ایران طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از این قرار است:
- ۱ -منصب رهبری(اصول ۵ و ۱۰۹)
 - ۲ -منصب ریاست جمهوری (اصل ۱۱۵)
 - ۳ -منصب وزارت (اصل ۱۳۳)
 - ۴-منصب شورای نگهبان (اصول ۹۱ و ۹۹)
 - ۵-منصب نمایندگی در مجلس شورای اسلامی (اصل ۶۲)
 - ۶- منصب قضایی(۱۶۳)
 - ۷-منصب در مجلس خُبرگان
 - ۸-منصب در مجمع تشخیص مصلحت نظام (اصل ۱۱۲)
 - ۹-عضویت در شوراهای شهر و روستا (اصل ۱۰۰)
 - ۱۰-فعالیت در احزاب سیاسی، فعالیت در سازمان ها ، انجمن ها و جمعیت های غیر دولتی (اصل ۲۶)
 - ۱۱-رأی دادن (اصل ششم)(قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، هیچ منعی برای حضور زنان در عرصه مشارکت سیاسی در سطوح مختلف آن وجود ندارد. در واقع، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت های وسیعی در این خصوص است که عمده این ظرفیت ها مسکوت مانده است. این مسئله تا حدودی به عدم وضوح اصول قوانین مرتبط با حقوق مشارکت سیاسی زنان برمیگردد. به این معنا که هیچ یک از اصول مرتبط با شاخص های مشارکت سیاسی ، تأکید بر زن یا مرد بودن احراز کننده منصب نداشته است، اما ابهامات موجود در برخی اصول باعث شده است تا بسیاری از مفسران قانون اساسی رأی به عدم انتصاب زنان در آن مناصب بدهند. از جمله در اصول مرتبط با رهبری از فقیه عادل و توانا به عنوان یکی از شرایط رهبر صحبت شده است که عده ای از فقها به مرد بودن رهبر رأی داده اند. همچنین اصل ۱۱۵ در مورد منصب ریاست جمهوری که در آن آمده است رئیس جمهوری باید از میان رجال سیاسی و مذهبی باشد که طبق استنباط برخی این به معنای مرد بودن رئیس جمهوری است و زنان نمی توانند در این منصب قرار گیرند. در واقع عدم وضوح قانون اساسی در اصول مرتبط با مناصب مهم سیاسی یکی از موانع رسیدن زنان به مناصب فوق است.

نظریه توانمند سازی زنان:

از اوایل دهه ۱۹۷۰ توجه به نقش زنان در فرایند توسعه فزونی گرفت و موضوع زنان در توسعه بخشی از نظریات درباره توسعه شد. نوسازی و توسعه دستاوردهای نامتعادلی برای مردان و زنان در کشورهای در حال توسعه به همراه داشت.

۱-Development

به طوری که مردان بهره وران و زنان قربانیان این فرایند بودند. درک این مسئله از طرف کارگزاران ملی و بین المللی ، توجه آنان را به نقش زنان در توسعه معطوف کرد و در نتیجه رهیافت های مختلف ، برابری زنان و مردان را در فرایند و نتایج توسعه مورد توجه قرار دادند و نظریات گوناگونی در این حوزه از مسائل ارائه شد. از جمله این نظریات می توان به این موارد

اشاره کرد. نظریه رفاهی، فقرزدایی و توانمند سازی. در این مقاله از نظریه توانمند سازی به عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. چرا که دو نظریه دیگر بیشتر ماهیت اقتصادی داشته است و در عمل هم موفق نشدند.

نظریه توانمند سازی زنان از سوی سارا لانگه مطرح شد که زنان را به کنترل بیشتر جنبه های زندگی خویش تشویق می کند. مشارکت مستقیم در حیات اجتماعی جامعه توسعه هم به عنوان نتایج و هم به عنوان ابزار توانا سازی زنان توصیه می شود. طبق این نظریه زنان در دگرگونی مؤثر در فرایند توسعه از عناصر منفعل به بازیگرانی مستقل و توانا تبدیل می شوند. (لانگه، ۱۳۷۶؛ ۲۶)

هدف در نظریه توانمند سازی زنان افزایش قدرت آنان است و این قدرت نه به معنای برتری فردی بر فرد دیگر است بلکه اتکاء به قدرت درونی خود است. این امر به صورت حق انتخاب در زندگی و تأثیرگذاری بر انتخابها جهت تغییراتی از طریق به دست گرفتن کنترل منابع مادی و غیر مادی است. در این نظریه فرایند برابری و توانا سازی دارای پنج مرحله است: ۱- مراحل رفاه ۲- دسترسی ۳- آگاهی ۴- مشارکت ۵- کنترل.

مرحله رفاه، مرحله صفر از توانایی است. زمانی که زنان برای ایجاد رفاه و ارتقای وضعیت خود در هر عرصه و زمینه ای به فعالیت پرداختند، درگیر فرایند توانمند سازی می شوند. برای نمونه، زمانی که زنان در عرصه عمل و فعالیت سیاسی مجال حضور می یابند و خود خواستار ورود به عرصه فعالیت باشند، درگیر فرایند توانمند سازی در عرصه سیاسی و رفع نابرابری در این زمینه میان زنان و مردان می شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منظور از دسترسی، دستیابی بر منابع مهم و عالی است و این منابع در عرصه سیاسی منابع قدرت است. اهمیت این مرحله از آنروست که بدون داشتن دسترسی به منابع عالی قدرت سیاسی نمیتوان مشارکت سیاسی واقعی و همه جانبه را انتظار داشت. یعنی صرف فعال بودن در عرصه قدرت به معنای دست یافتن به منابع عالی قدرت نیست. از این رو توانمند سازی در این مرحله به معنای نیل به منابع مهم قدرت است. در واقع عدم دسترسی به منابع قدرت به

عنوان یکی از نتایج تبعیض جنسیتی است. پس تلاش برای محو تبعیض ها در این مرحله و رسیدن زنان به منابع قدرت (منابع در دسترس مردان) آنان را وارد مرحله دسترسی می کند. در مرحله آگاهی ، زنان در می یابند که میان فعالیت ها و منابع در دسترس مردان و زنان تفاوت فاحشی وجود دارد. در این مرحله ، مرحله آگاهی زنان از تبعیض های موجود میان زنان و مردان در دسترسی داشتن مشارکت است . توانمندسازی در این مرحله به معنای ارتقای آگاهی زنان در مورد وضعیت موجود و همچنین ترسیم وضعیت مطلوب و راه های رسیدن به آن وضعیت است.

مرحله مشارکت ، مرحله ایجاد برابری میان زنان و مردان در تمامی مراحل شناسایی مشکلات ، نیازها و اجرا و ارزشیابی عملکرد است . در این مرحله، زنان سعی در مشارکت در تمامی پروژه هایی را دارند که به نوعی در آن ذی نفع اند . در این مرحله توانمند سازی به معنای ایجاد بستر ها و اتخاذ سازو کارهایی برای سهولت ورود زنان به فرایند فعالیت و سهولت در دسترسی به منابع و فرصت ها و اعمال کنترل بر منابع است .

مرحله کنترل، مرحله عالی از مشارکت است که طی آن زنان بر نتایج حاصل از اعمال قدرت و مشارکت خود کنترل دارند. صرف فعالیت و دسترس داشتن و آگاهی یافتن از وضعیت موجود نمی تواند به معنای ارتقای مشارکت باشد. بلکه اعمال کنترل بر نتایج حاصل از مشارکت و اعمال قدرت عامل نهادینه کننده مشارکت است. در واقع، اگر کنترل وجود نداشته باشد و یا ناقص اعمال شود مشارکت واقعی رخ نداده است. در این مرحله ، توانمند سازی به معنای دستیابی زنان به کنترل بیشتر بر نتایج حاصل از مشارکت شان است. در صورت گذار موفق از مرحله کنترل دوباره به مرحله رفاه (فعالیت جدی تر و بیشتر زنان) و سپس دسترسی (به معنای دسترسی آسان تر و برابر تر با مردان به منابع عالی قدرت) و ارتقای آگاهی و مشارکت (به معنای مشارکت در فرایند تصمیم گیری ها و اثر گذاری در سطح کلان و عالی قدرت) و در نهایت کنترل بیشتر می انجامد . قابل ذکر است که سارا لانگه برای تجزیه و تحلیل ۱ بهتر نتایج به دست آمده در پژوهش در قالب نظریه توانمند سازی سه جزء تحلیلی را پیش بینی کرد است، که این سه جزء از این قرارند:

جزء اول ؛ نمودارها و جداول فعالیت ها و دسترسی و کنترل . در این جزء اطلاعات آماری ارائه می شود . جزء دوم ؛ عوامل تأثیر گذار بر روی فعالیت ها و دسترسی به منابع و کنترل است. عواملی همچون فرهنگ و آداب و رسوم و سن. جزء سوم؛ جزء تجزیه و تحلیل مراحل پروژه با استفاده از اطلاعات آماری و اطلاعات به دست آمده از مراحل پنج گانه است .

در ادامه سعی داریم تا با توجه به نظریه توانمند سازی زنان و با استفاده از اجزای تحلیل آن به بررسی موضوع مشارکت سیاسی زنان در دولت اصلاحات (۱۳۷۵-۱۳۸۴) بپردازیم.

رئوس برنامه های اصلاح طلبان به طور کلی و به طور خاص برای ارتقای مشارکت سیاسی زنان:

به گفته ناظران سیاسی از مهمترین نیروهای رأی دهنده سید محمد خاتمی در خرداد ۷۶ زنان و جوانان بودند. چرا که معتقد بودند برنامه های سید محمد خاتمی که در جریان مبارزات انتخاباتی هفتمین دوره ریاست جمهوری ارائه کرد با اقبال و توجه بسیاری از زنان و جوانان مواجه شد. در واقع زنان و جوانان با رأی به خاتمی جامعه مدنی جدیدی را برای خود ایجاد کردند. زنان و جوانان با رأی به اصلاحات، فضای جدید سیاسی را ایجاد کردند. که این امر برای اصلاح طلبان غیر منتظره بود (Molynex and Rezaie, ۲۰۰۱: ۲۵۱) از این رو توجه به برنامه های اصلاح طلبان برای ورود به موضوع مقاله خالی از لطف نخواهد بود. برنامه های اصلاح طلبان در خصوص مشارکت سیاسی زنان در جریان انتخابات را عمدتاً می توان به دو



۱-Analysis

دسته تقسیم کرد. اول آندسته از برنامه هایی که به طور کلی ارائه شد و دوم آندسته که به طور خاص برای زنان ارائه شده است.

برخی از برنامه های اصلاح طلبان که معطوف به توسعه سیاسی و به طور کلی ارائه شده است:

- ✓ پرهیز از خود کامگی و ممانعت از شکستن حرمت ها و تجاوز به حقوق و آزادی های قانونی رسالت دولت است.
 - ✓ استقرار امنیت مستلزم مبارزه با قانون شکنی است .
 - ✓ تلاش برای حاکمیت قانون و ضابطه ، شرط پیشرفت اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی است .
 - ✓ تأکید بر حضور فعال همه قشرها و پذیرش رقابت ها به عنوان یکی از مجاری اساسی مشارکت از سوی دولت ، ضرورتی انکار ناپذیر است .(سلیمی،۱۳۸۴:۲۸)
 - ✓ توسعه سیاسی به عنوان یکی از مهمترین اصول جامعه مدنی است ، که مستلزم استفاده از تمامی ظرفیت هایی است که قانون اساسی به مثابه میثاق ملی برای جلب مشارکت مردم در تصمیم سازی پیش بینی کرده است .
 - ✓ برای تحقق توسعه سیاسی اصلاح سازو کارهایی که مانع از تحقق این ظرفیت هاست و تدوین قوانینی که منجر به تحکیم نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش و مشارکت در امور حاکمیت شود، همچنین رفع موانع موجود بر سر راه حضور تأثیر گذار احزاب سیاسی کشور و توسعه حمایت های قانونی و اعطای تسهیلات به احزاب.
 - ✓ اصلاح قانون انتخابات جهت تضمین حق انتخاب مردم و اصلاح قانون احزاب (اثنی عشری، ۱۳۸۵:۳۸)
- اما برخی از برنامه های اصلاح طلبان که به طور خاص برای ارتقای مشارکت زنان ارائه شده بود از این قرار است.
- الف- افزایش مشارکت زنان از طریق نهاد های اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی و غیر دولتی
 - ب -ایجاد زمینه های لازم برای بهره گیری از توان زنان نخبه
 - ج -حمایت اقتصادی ، اداری و تقنینی از زنان
 - د-فراهم سازی امکان دسترسی زنان به فرصت های اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی ، علمی ، سیاسی و مدیریتی
 - ه -تقویت بنیان خانواده و ترویج فرهنگ مشارکت اعضای آن در اداره منزل
 - ف -ارتقای منزلت زن ایرانی
 - ت- بازنگری و تنظیم قوانین و مقررات منطبق با شرایط اجتماعی زن و مراقبت از
- کیان خانواده .(مرکز امور مشارکت زنان ۱۳۸۲:۱۲)

بعد از پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری، وی بارها به اهمیت حضور زنان در عرصه قدرت و مشارکت سیاسی اشاره کرد. در ادامه سعی بر این خواهیم داشت تا عملکرد هشت ساله دولت اصلاحات در حوزه مشارکت سیاسی زنان را مورد بررسی قرار دهیم. برای داشتن تصویری درست از عملکرد دولت اصلاحات نیاز به این خواهیم داشت تا وضعیت مشارکت سیاسی زنان را قبل از خرداد ۷۶ مورد توجه قرار دهیم.

مشارکت سیاسی زنان و نظریه توانمند سازی :

مرحله رفاه تا قبل از خرداد ۷۶:

در این مرحله، مشارکت و فعالیت زنان در عرصه سیاسی در سه سطح تحلیلی قابل بررسی است الف- سطح کلان تصمیم گیری و مدیریت سیاسی: این سطح شامل مناصبی چون ریاست جمهوری، وزارت در کابینه دولت، نمایندگی مجلس شورای اسلامی، منصب در مجلس خبرگان، منصب در قوه قضائیه و حضور در مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضویت در شورای نگهبان می شود. منظور از سطح کلان تصمیم گیری، در واقع آن مناصب اند که از طریق آن جایگاه، صاحبان مناصب برنامه ها و تصمیم گیری های مهم نظام و کشور را انجام می دهند. زنان تا قبل از خرداد ۷۶ در این سطح از مدیریت، تنها به مجالس شورای اسلامی به عنوان نماینده دست یافتند. همچنین در اولین دوره مجلس خبرگان تنها یک زن عضو این مجلس بود.

ب- سطح میانه تصمیم گیری و مدیریت سیاسی: این سطح از مدیریت شامل: معاونت و یا مشاورت رئیس جمهوری و وزرای کابینه و یا ریاست و یا معاونت در سطح استانداری و فرمانداری، ریاست ادارات و دفاتر خاص زنان که به ادارات دولتی وابسته اند، برخی پست هادر وزارتخانه ها و همچنین نمایندگی در مجلس شوراهای شهرو روستا می شود. درباره نمایندگی

در مجلس شوراهای اسلامی شهرو روستا تا قبل از خرداد ۷۶، از آنجایی که این ماده از قانون اساسی اجرا نمی شد نمی توان سخن گفت. اما در مورد حضور زنان در سطح میانه تصمیم گیریها تا قبل از خرداد ۷۶ تعداد معدودی از پست های مدیریتی قابل ذکر از این قرار است:

- تشکیل کمیسیون امور بانوان در استانداریها و شهرستانها . در سال ۱۳۷۰ در هر استان یک خانم صاحب نظر عضو کمیسیون بوده است . (لازم به ذکر است که ریاست کمیسیون الزاما با بانوان نبوده است)

- ایجاد کانون های فرهنگی و اجتماعی زنان در سال ۷۲

- ایجاد فرصت نظارت دفتر امور بانوان بر سیاست گذاری ها و حسن اجرای سیاست ها در سال ۷۴ ، این دفتر در سال ۱۳۷۰ تحت مدیریت و مشاورت وزیر کشور و مدیر کل دفتر امور بانوان فعالیت خود را آغاز کرد .

در کل ، سهم زنان در بخش مدیریت دولتی در این دوره ، کمتر از ۳٪ از کل پست های مدیریتی بوده است . همچنین قابل ذکر است که در دو دهه اول انقلاب هیچ زنی در پست معاونت و یا مشاورت رئیس جمهوری و یا وزرای کابینه قرار نگرفته اند.

ج- سطح خرد تصمیم گیری سیاسی: منظور از سطح خرد تصمیم گیری ، شرکت در انتخابات مختلف به عنوان رأی دهنده است . برای زنان در مقام انتخاب کننده ، هیچ محدودیتی وجود ندارد. مطابق اصل شش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زنان دارای حق مشارکت در مقام انتخاب کننده و رأی دهنده بدون هیچ محدودیتی دارند. در طول حیات نظام جمهوری اسلامی ایران، زنان در سه رفراندوم ، ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری ، ۸ دوره مجلس شورای اسلامی ، ۳ دوره انتخابات شهر و روستا و انتخابات مجلس خبرگان همانند رأی دهندگان شرکت داشتند.

مرحله رفاه بعد از خرداد ۷۶:

در این مرحله سعی خواهیم کرد تا زمینه ها و ظرفیت هایی را که دولت اصلاحات برای ارتقای رفاه زنان (ارتقای فعالیت زنان) در عرصه سیاسی ایجاد کرده مورد بررسی قرار دهیم .

۱- سطح کلان تصمیم گیری ها و مدیریت سیاسی : طبق تعریف ارائه شده در مورد سطح کلان مدیریت سیاسی ، در دولت خاتمی پستی برای زنان در این سطح ایجاد نشد. تنها در عرصه ای که در این سطح ، زنان حضور یافتند، نمایندگی مجلس شورای اسلامی بود که در قبل از آن نیز این عرصه برای زنان دایر بود.

۲- سطح میانه تصمیم گیری ها و مدیریت سیاسی : ۱- انتخاب دو زن یکی در پست معاونت و ریاست محیط زیست و دیگری در پست مشاورت رئیس جمهوری و رئیس مرکز امور مشارکت زنان.

۳- حضور دو زن در سمت های معاونت پارلمانی و پژوهشی برای وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر بهداشت و درمان آموزش پزشکی .

۴- ایجاد ده پست مدیر کلی برای زنان در ارگان هایی چون انتصاب یک زن به ریاست شهرداری یکی از مناطق شهرداری شهر تهران ، انتصاب یک زن به مدیر کلی اداره تقسیمات کشوری در وزارت کشور و...

۵- ارتقای دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری به مرکز مشارکت زنان در سال ۷۶ ، که این مرکز به عنوان مهم ترین متولی امور اجرایی مسائل زنان در کشور بود . از جمله عضویت رئیس مرکز در شورای اجتماعی کشور و همچنین حاضر شدن رئیس مرکز در هیئت دولت و ارائه مشاوره و پیشنهاد به رئیس جمهوری و همچنین عضویت رئیس مرکز در شوراهای عالی جوانان، اشتغال ، آموزش فنی و حرفه ای و عضویت در شوراهای بخشی و فرا بخشی و کمیته های مربوط به تدوین برنامه سوم توسعه. (مرکز امور مشارکت سیاسی زنان ، ۱۳۸۵: ۷۶)

۶- با اجرای اولین دوره انتخابات شوراهای شهرو روستا از مجموع ۷۲۷۶ نفر از کاندیدهای زن که ۲/۲ درصد از کل داوطلبان را تشکیل می دادند، ۷۸۳ نفر به عضویت در شوراهای شهر و روستا در آمدند.

۷- ایجاد پست های مشاوران در امور زنان و همچنین ایجاد اداره زنان و حقوق بشر در وزارت امور خارجه.

۸- ایجاد تحول در سمت های امور بانوان در وزارت کشور و تشکیل کارگروه زنان و جوانان در سال ۷۹ و حضور این کارگروه در جریان تدوین برنامه سوم توسعه.

با توجه به موارد فوق ، عملکرد دولت اصلاحات در ایجاد پست های جدیدی در سطح میانه مدیریت سیاسی و لحاظ نمودن نگرش جنسیتی در برنامه سوم توسعه ، فعالیت زنان در عرصه سیاسی تا حدودی (نه به طور کامل) افزایش یافت. از همین رو ، زنان به منابع قدرت دسترسی بیشتری یافتند. در واقع ایجاد پست های جدید در این سطح از مدیریت برای زنان ، عرصه های تازه ای برای نقش یابی زنان در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها گشود.

مرحله دسترسی قبل از خرداد ۷۶:

دسترسی داشتن به منابع قدرت ۱ ، از شاخص های مشارکت سیاسی است. زمانی که افراد جامعه به مناصب مهم سیاسی که همان منابع قدرت اند، و به طور یکسان به منابع قدرت

دسترسی داشته باشند و از فرصت های برابر جهت اثرگذاری بر عرصه قدرت سیاسی بهره مند باشند ، شاخص مشارکت سیاسی در آن جامعه بالاست.

منظور از منابع قدرت ، آندسته از بسترها ، عرصه ها و ابزارهایی است که به واسطه در اختیار داشتن آنها، افراد می توانند اعمال نفوذکنند و بروند قانون گذاری ، اجرا و نظارت بر اجرا اثر گذار باشند. برای نمونه، بستر انتخابات برای رأی دهنده عرصه ای است برای اعمال نظر در حدّ یک رأی برای هر فرد، این زمینه و عرصه ، در واقع اعمال قدرت و دسترسی بر روند تصمیمات در سطح خرد است. پس در واقع مناصب باتوجه به قرار گرفتن شان در سطوح سه گانه فعالیت سیاسی می تواند منابع قدرت باشند. همچنین است جامعه مدنی به عنوان منبع قدرت خارج از قدرت دولت ، که شامل مطبوعات ، نشریات فعال در عرصه سیاسی ، احزاب ، انجمن ها و تشکل ها و سازمان های غیر دولتی و همچنین نخبگان سیاسی میشود. از دیگر منابع قدرت ، ارگان ها و نهادهای گوناگون کشوری اند. از جمله دفاتر خاص امور زنان و یا ارگان های مربوط با امور زنان ، فراکسیون زنان در مجلس ، حضور زنان در کمیسیون های تخصصی مجلس ، حضور در تدوین برنامه سوم توسعه و ... از منابع قدرت برای زنان محسوب می شوند.

از منابع در دسترس زنان تا قبل از خرداد ۷۶ همان گونه که در مرحله رفاه آمد، مجلس شورای اسلامی در سطح کلان مدیریت سیاسی بود . اما از منابع سطح میانه قدرت می توان به تشکل های زنان اشاره کرد که شامل دو دسته تشکل دولتی و غیر دولتی می شود. تعداد سازمان های غیر دولتی زنان در این دوره به ۶۷ مورد می رسد که عمده فعالیت این سازمان ها خیریه ای و صنفی بود و فعالیت سیاسی خاصی را دنبال نمی کردند. تنها چهار سازمان غیر دولتی در این دوره دارای اهداف کاملاً سیاسی بودند که این چهار سازمان از این قرار بودند :

- ۱- انجمن هم بستگی زنان ایران ، تأسیس سال ۱۳۷۱ (فائزه هاشمی) ۲- مؤسسه زنان ، تأسیس ۱۳۵۹ (اعظم طالقانی) ۳- جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران تأسیس ۱۳۵۶ (زهرا مصطفوی) ۴- جامعه الزینب تأسیس سال ۱۳۵۶ (مریم بهرروزی) . (طغرانگار ، ۱۳۸۳: ۱۶)

۱-power sources

در مورد سازمان های دولتی زنان موارد قابل ذکر تا قبل از خرداد ۷۶ از این قرار است :

اولین تشکیلات دولتی زنان در سال ۱۳۶۷ به نام شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و همچنین

power sources-۱ دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۰ تأسیس شد. همچنین کمیسیون امور بانوان و بسیج خواهران از دیگر تشکیلات دولتی زنان محسوب می شد که اعضای آنرا عمدتاً نمایندگان ادارات و نهاد های مختلف دولتی تشکیل می دادند. (شجاعی، ۱۳۸۰: ۳)

در مورد نشریات و مطبوعات زنان، بین سالهای ۵۷ تا ۶۰ چیزی حدود ۲۰ نشریه انتشار میشد که البته برخی از آنها قبل از انقلاب نیز منتشر می شدند. که عمده محور فعالیت آنها سیاسی بود از جمله می توان به این نشریات اشاره نمود: بیداری زن، پیکار زن، جهان زنان (مرام چپی) مجله زنان در مبارزه و.....

بین سال های ۶۰ تا ۶۸، نشریات زنان متأثر از رویداد جنگ بودند. از جمله نشریات این دوره می توان به عناوین زیر اشاره کرد: شاهد بانوان، مجله کوثر، رهایی زن (وابسته به گروه های چپی)، مجله ندای خواهران مسلمان و..... که مشی سیاسی داشتند. (پبران، ۱۳۸۱: ۱۶۸)

پس از پایان جنگ بین سال های ۶۹ تا ۷۶ تعداد نشریات زنان رو به فزونی گرفت و علاوه بر نشریات تخصصی زنان، یک سری نشریات خانوادگی هم رشد یافتند. تا سال ۷۵، ۲۷ نشریه دارای مدیر مسئول زن بودند و در همین سال ۱۸ نشریه دارای صاحب امتیاز زن بودند. از نشریات این دوره می توان به این موارد اشاره کرد: ندا، برش، پگاه، جلوه هنر، ریحانه و..... در مورد منابع مورد دسترس زنان تا قبل از خرداد ۷۶ باید توجه داشت که این فرصت های محدود در قیاس با منابع در دسترس مردان چندان قابل توجه نیست. به یک معنا، زنان به منابع عالی قدرت دسترسی نداشتند. در مورد مجالس پنج گانه شورای اسلامی باید توجه کرد که اگرچه زنان به عنوان نماینده به مجلس وارد می شدند، اما تعداد زنان در برابر مردان بسیار ناچیز بود و از سوی دیگر حضور زنان در هیئت رئیسه مجلس و یا ریاست کمیسیون های تخصصی مجلس به ندرت اتفاق می افتاد.

مرحله دسترسی بعد از خرداد ۷۶:

همان گونه که در مرحله رفاه در دولت اصلاحات آمد، تلاش های دولت خاتمی برای ایجاد بسترها جدید برای زنان منجر به ایجاد فرصت های جدید برای ورود زنان در عرصه های میانه مدیریت سیاسی شد. از رهگذر این بسترها و فضاهای جدید، امکانات دسترسی زنان به منابع قدرت بیشتر و آسان تر شد. از جمله این امکانات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

با ارتقای دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری به مرکز امور مشارکت زنان ، ضمن حضور رئیس مرکز در جلسات هیئت دولت ، مرکز در جریان تدوین برنامه سوم توسعه شرکت کرد و با ارائه نظریات گام هایی برای رفع مسائل و مشکلات زنان در وجوه مختلف زندگی از طریق ارائه راهکار برداشت . طی این فرایند ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه که به تصویب هیئت وزیران رسید ، ضمن اختصاص بودجه به منظور سامان دهی نقش زنان در توسعه کشور و حل معضلات و بهبود زندگی زنان ، مرکز امور مشارکت مسئول پی گیری و نظارت بر اجرای مفاد مندرج در ماده ۱۵۸ قانون برنامه توسعه شد. همچنین مرکز در شوراهای بخشی و فرا بخشی کمیته های تحت پوشش گروه کاری زنان و برنامه سوم توسعه که در آبان ماه ۷۷ تشکیل شده بود، شرکت داشت .(مرکز امور مشارکت زنان ، ۱۳۸۰: ۱۳۸)

همچنین در این دوره در راستای سیاست های تقویت ساختارها و ایجاد عرصه های جدید برای زنان و درج مسائل زنان در وزارتخانه ها ، دفاتر امور زنان در تشکیلات دولتی و وزارتخانه ها ایجاد شد. از جمله این دفاتر می توان به ایجاد ۴۸ دفتر امور زنان در نهادهای دولتی در سال هفتاد و نه اشاره کرد که برخی از آنها عبارت بودند از:

- مشاور رئیس دفتر امور بانوان در وزارت دفاع
- مشاور و مدیر کل و رئیس دفتر امور بانوان در وزارت کشور با ۲۷ پست سازمانی
- مشاور فرماندهی کل و رئیس دفتر امور زنان در سپاه پاسداران
- نماینده و رئیس دفتر امور بانوان وزارت پست و تلگراف و تلفن و....

این دفاتر ۳۵٪ در سطح مشاور وزیر و سرپرست سازمان امور زنان ، ۲۶/۶٪ در سطح مدیر کلی ، ۴۹٪ دارای نماینده دستگاه در مرکز امور مشارکت و ۴۵٪ با عناوین دیگر بودند. (مرکز امور مشارکت زنان ، ۱۳۸۰: ۲۶)

همچنین در این دوره در سازمان ها و تشکیلات دولتی مربوط به زنان به منظور کارایی بهتر تحولاتی صورت گرفت . از جمله این تحولات؛ ایجاد شورای هماهنگی نمایندگان دستگاه های اجرایی، انحلال کمیسیون های امور بانوان در استان ها و محول شدن وظایف کمیسیون های مزبور به کارگروه زنان و جوانان .

در این دوره سازمان های غیر دولتی زنان با توجه به اهداف برنامه سوم توسعه ، رشد کیفی و کمی یافتند . به گونه ای که بین سالهای ۷۶-۸۳ تعداد سازمان های غیر دولتی زنان نرخ رشدی برابر با ۶۱۴/۴۱٪ داشته و به یک معنا تعداد این سازمان ها در این دوره به بیش از هفت برابر رسیده است.(مرکز امور مشارکت زنان ، ۱۳۸۰: ۹۰)

اما نشریات زنان در ایندوره با رشد کیفی و کمی خوبی روبرو بود ، که عموماً با مضامین اصلاح طلبانه فعالیت می کردند . در ایندوره برای اولین بار روزنامه بانوان مجوز انتشار گرفت . در سال ۷۶ مدیر مسئولان ۳۸ نشریه ، زن بودند و این تعداد در سال ۷۷ به ۵۶ و در سال ۷۹ به ۶۱ مورد افزایش یافت . این افزایش در نشریات صاحب امتیاز زن نیز اتفاق افتاد بگونه ای که در سال ۷۶ ، ۲۵ نشریه دارای صاحب امتیاز زن بودند و این تعداد در سال ۸۰ به ۴۶ نشریه رسید.

همچنین با انجام انتخابات شوراهای شهر و روستا که تا این تاریخ (۱۳۷۷) انجام نمی گرفت عرصه دیگری برای آنان ایجاد شد.

مرحله آگاهی قبل از خرداد ۷۶:

در راستای ارتقای سطح آگاهی زنان تا قبل از خرداد ، بیشتر برنامه های دولت در جهت محو بی سوادی و ارتقای سطح سوادشان بود. در واقع در این سال ها که شامل دو دهه اول انقلاب می شود برنامه های اول و دوم توسعه نیز در خصوص زنان به نقش آفرینی شان در تنظیم جمعیت و نیازهای ورزشی و اوقات فراغت و ارتقای سطح سواد توجه شد. در این دوره تعداد زنان با سواد افزایش چشمگیری داشت و جامعه شان از حالت نیمه بی سوادی به جامعه ای تحول یافته تغییر یافت . همچنین تعداد زنان راه یافته به دانشگاه ها رشد بسیاری داشت.

مرحله آگاهی بعد از خرداد ۷۶:

از اولین اقدامات برای ارتقای آگاهی زنان و انجام مطالعات و تحقیقات درباره مسائل و مشکلات شان، ایجاد واحد پژوهشی در دفتر امور بانوان وزارت کشور در سال ۷۶ است . فعالیت این واحد در راستای جذب نخبگان فکری در واحد پژوهش ، تلاش برای ورود پژوهش های نظری به تصمیم گیری ها و برنامه های علمی ، انتشار کتاب ، اطلاع رسانی و شناسایی مشکلات آنان و ارائه طرحهای ملی و... است

عملکرد مرکز مشارکت زنان در حوزه اطلاع رسانی و آگاهی بخشی نیز قابل توجه است . از اقدامات این مرکز می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱- تشکیل شورای پژوهشی ۲- تأسیس مرکز مطالعات و تحقیقات زنان ۳- مبادله تفاهم نامه همکاری با دانشگاه های مهم کشور.

۱-women' s publications

۴- برگزاری کارگاه های آموزشی - مشورتی زنان در قالب آموزش های کوتاه مدت از جمله : کارگاه آموزشی برای توسعه پایدار جهت ارتقای توان مدیریتی زنان در سال ۷۷ در چند نوبت ، کارگاههای آموزشی تحلیل جنسیتی به منظور توجه به ضرورت ایجاد نگرش جنسیتی در بین برنامه ریزان ، زن و اصلاحات ، توسعه مشارکت زنان در ابعاد مختلف در سال ۷۹ و...-۵

در راستای محور نگرش های غلط و تقویت باورها کنگره ها و همایش ها و نشست هایی با نمایندگان زن و با مشاوران وزرا در امور بانوان انجام شد . ۶- برگزاری کارگاه های آموزشی در قالب آموزش های بلند مدت از جمله طرح تربیت سبید زن جهت توانمند سازی زنان برای مشاغل مدیریتی در دستگاه های دولتی و...
۷- تألیف و ترجمه و چاپ کتب نشریات و مقالات مرتبط با موضوع زنان .
۸- دوره آموزش اطلاع رسانی زنان در سال های ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۳ که در خارج از کشور برگزار شد و عده ای از زنان ایرانی در آن حضور داشتند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

مرحله مشارکت سیاسی قبل از خرداد ۷۶:

تا اینجا ، طی سه مرحله رفاه ، دسترسی ، آگاهی را که خود از اجزای وجودی مشارکت اند مورد بررسی قرار دادیم . در واقع این اجزای پنج گانه به هم وابسته اند و بر هم تأثیر می گذارند و از هم متأثرند . در باره مشارکت سیاسی زنان تا قبل از خرداد ۷۶ باید به مشارکت توده ای و بسیجی زنان در جریان انقلاب و سال های استقرار نظام اشاره کرد . البته حضور زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی به عنوان منتخب و انتخاب

کننده نیز از دیگر عرصه های مشارکت سیاسی زنان است که می توان از مشارکت مدرن یاد کرد . اما به طور کلی زنان در دو دهه اول انقلاب مشارکت قابل توجهی در سطح کلان و میانه قدرت سیاسی نداشتند.

مرحله مشارکت بعد از خرداد ۷۶:

همان طور که در مرحله رفاه بیان شد زنان به سطوح کلان مدیریت سیاسی دست نیافتند . پس از مشارکت سیاسی زنان در دولت اصلاحات عمده تغییرات در سطح میانه مدیریت شکل گرفت ، اما قبل از ورود به مبحث مشارکت زنان در سطح میانه باید به چند نکته در مورد مشارکت زنان در مجلس شورای اسلامی اشاره کرد: زنان مجلس ششم شورای اسلامی (مصادف با دولت اصلاحات) برخی فعالیت هائی را انجام دادند که منجر به ارتقای مشارکت شان شد .

- تشکیل فراکسیون زنان مجلس برای اولین بار ؛
- عضویت یک زن در هیئت رئیسه مجلس ؛
- ریاست یک زن بر کمیسیون زنان و جوانان ؛
- شرکت یک زن در مذاکرات بین ایران و آژانس بین المللی اتمی ؛

فعالیت زنان مجلس ششم به وضع ۱۶ مورد قانون که به طور عمده در حوزه حقوق زنان بود، انجامید . همچنین ۱۷ مورد طرح هایی که نهایی شد اما بسیاری به وضع قانون نینجامید. (از جمله لایحه الحاق ایران به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض از زنان) در سطح میانه مدیریت سیاسی موارد قابل ذکر از این قرار است :

- انتخاب دو زن به معاونت و مشاورت رئیس جمهوری و ارتقای دفتر امور بانوان به مرکز امور مشارکت زنان که این موضوع منجر به افزایش قدرت مرکز در پیشبرد مسائل زنان شد . از جمله فعالیت های این مرکز ، برنامه ریزی ، ارائه راهکار ، ارائه نظریات مشورتی ، بررسی های کارشناسی و تبادل نظر در حوزه مسائل زنان با هیئت دولت و نمایندگان مجلس، شرکت در جریان تدوین برنامه سوم توسعه که منجر به ایجاد ماده قانون ۱۵۸ در برنامه شد که معطوف به مسائل زنان بود از جمله از مفاد این ماده قانونی می توان به این موارد اشاره کرد : توانمند سازی سازمان های غیر دولتی زنان ، زمینه سازی برای زنان نخبه به نظام برنامه ریزی کلان و.... (مرکز امور مشارکت زنان ۸۴:۶۷)

• همچنین با اصلاح آئین نامه های شورای برنامه ریزی و توسعه استان ها در دولت خاتمی تعداد زنان حاضر در کارگروه های شورای برنامه ریزی و توسعه استان ها افزایش یافت . از جمله کارگروه هایی که زنان در آن حضور یافتند به موارد زیر اشاره می شود::

- ۱- حضور زنان در کارگروه برنامه ریزی و تحول اداری ؛ حضور یک زن به انتخاب کارگروه (بدون حق رأی)
- ۲- حضور در کارگروه آب و کشاورزی و منابع طبیعی؛ حضور یک نماینده زن از تشکل های غیر دولتی با انتخاب کارگروه (بدون حق رأی)
- ۳- حضور در کارگروه گردشگری و میراث فرهنگی به انتخاب کارگروه (بدون حق رأی)
- ۴- حضور در کارگروه آمایش و محیط زیست به انتخاب کار گروه (بدون حق رأی)
- ۵- حضور در کارگروه اجتماعی (مشاوراستاندار در امور زنان) ونماینده از تشکل های غیر دولتی با انتخاب کار گروه (بدون حق رأی)
- ۶- حضور در کار گروه اشتغال و سرمایه گذاری (مشاور استاندار در امورزنان) و یکنفر از زنان عضو هیئت علمی دانشگاه های استان (بدون حق رأی)
- ۷- حضور در کارگروه بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی (مشاور استاندار در امور زنان) و یک نماینده از تشکل های غیر دولتی به انتخاب کار گروه (بدون حق رأی)
- ۸- حضور در کار گاه پژوهش آمار و فناوری اطلاعات (مشاور استاندار در امور زنان) و یک نفر از بانوان عضو هیئت علمی دانشگاه های استان (بدون حق رأی)
- ۹- حضور در کار گروه فرهنگ و تربیت بدنی (مشاور استاندار در امور زنان) و یک نفر از بانوان صاحب نظر به انتخاب گروه (بدون حق رأی)
- ۱۰-حضور در کارگروه بانوان و جوانان (مشاور استاندار در امور زنان و مسئول ورزش زنان) یک زن از تشکل های غیر دولتی و دونفر از بانوان عضو هیئت علمی به انتخاب کارگروه (بدون حق رأی)(مرکز امور مشارکت زنان ،۱۳۸۰؛۱۹۰)

با عضویت زنان در کارگروه های فوق ۵۰۴ جایگاه تصمیم گیری برای زنان ایجاد شد . در سطح میانه مدیریت سیاسی می توان به انتخاب شدن زنان در انتخابات شوراهای شهرو روستا نیز اشاره کرد.

مرحله پنجم کنترل:

منظور از کنترل سیاسی برخورداری از آن حدّ از قدرت سیاسی ، جهت اعمال نفوذ بر نتایج به دست آمده از مشارکت سیاسی و اعمال قدرت است . کنترل به معنای تسلط بر نتایج حاصل از اعمال قدرت است . آنچه در این مرحله اتفاق می افتد باز تولید مشارکت است . به گونه ای که منجر به نهادینه شدن مشارکت شود.

در واقع با گذار موفق و صحیح از مراحل قبلی و تبلور مشارکت به معنای حضور مؤثر ، آگاهانه ، همه جانبه و واقعی و در شرایطی مساوی و برابر ، مشارکت نهادینه می شود و این منجر به ارتقای مشارکت سیاسی می شود . اما در صورت گذاری ناقص از هر مرحله مشارکت به معنای واقعی اتفاق نمی افتد و کنترل که مرحله نهادینه شدن مشارکت است اعمال نخواهد شد . در بررسی به عمل آمده تا اکنون پیداست که نه فعالیت های سیاسی و نه منابع قدرت دسترس و نه آگاهی سیاسی و در نهایت مشارکت سیاسی زنان با فعالیت سیاسی و منابع در دسترس مردان و آگاهی و مشارکت سیاسی مردان قابل مقایسه نیست . به این معنا که زنان در مقایسه با مردان مشارکت محدود و ناقصی را در عرصه سیاسی داشته و دارند . و از اینرو هیچ کنترلی بر نتایج اعمال مشارکت محدودشان نیز ندارند. درمورد دولت اصلاحات نیز باید گفت : عبور از مراحل رفاه ، دسترسی ، آگاهی و مشارکت به طور کامل و بی نقص انجام نشده است در واقع گفتمان اصلاحات تا مرحله مشارکت سیاسی پیشرفت محدودی داشته است اما پشت مرحله کنترل متوقف شد. در تحلیل و بررسی عملکرد دولت اصلاحات را در مورد مشارکت سیاسی زنان در قسمت بعدی که اجزای تحلیل نظریه توانمند سازی خواهد بود ارائه خواهیم کرد.

اجزای تجزیه و تحلیل پژوهش:

جزء اول : نمودارها و جداول فعالیتها و دسترسی به منابع و مشارکت:

در این جزء نمودارها و جداولی را ارائه خواهیم کرد که نشان دهنده مشارکت زنان در دوره اصلاحات است در برخی از این جداول تفکیک جنسی نیز ارائه شده است تا بدین وسیله تحلیل دقیق تری از موضوع ارائه شود.

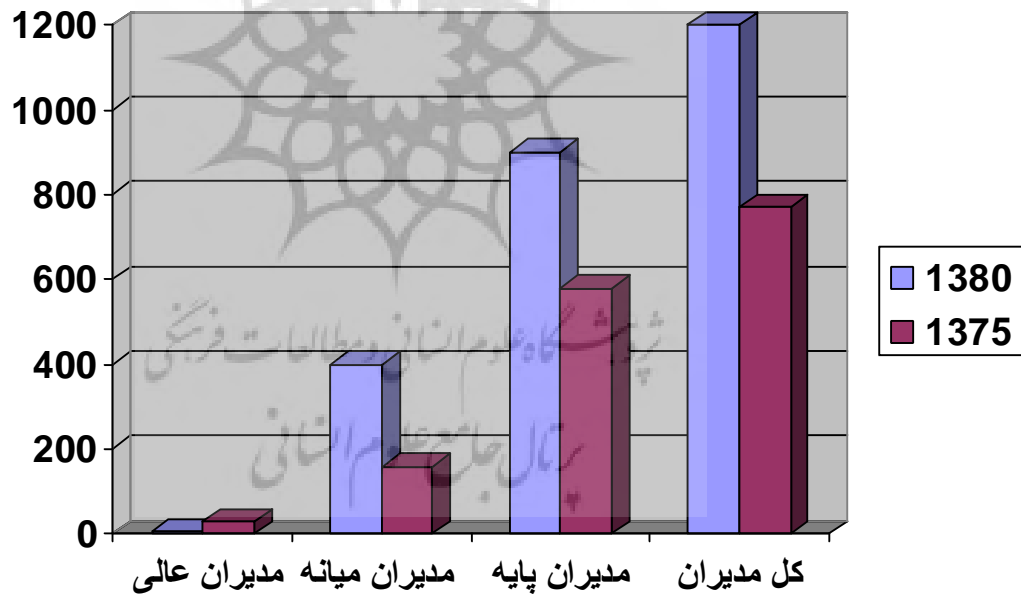
جدول شماره ۱ نشانگر تعداد مدیران شاغل در دستگاه های دولتی به تفکیک جنس بین سالهای ۷۵ - ۸۰ است (پروازبان، ۱۳۸۰، ۲ : ۲)

نام دستگاه	زن	مرد
سازمان صدا و سیما	۶	۲۴۵
مجلس شورای اسلامی	۲	۵۱
ریاست نهاد انقلاب اسلامی	۲۵	۲۴۷۲
ریاست جمهوری	۵۸	۱۰۷۲
وزارت مسکن و شهر سازی	۲۶	۴۵۷
وزارت آموزش و پرورش	۳۵	۲۰۰۳
وزارت نیرو	۵۹	۱۷۷۹
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۲۹	۷۵۸
وزارت صنایع و معادن	۳۶	۱۱۸۰
وزارت امور خارجه	۳	۱۰۳
وزارت بهداشت و درمان پزشکی	۳۰۴	۲۶۲۱
وزارت پست و تلگراف و تلفن	۱۹	۲۱۵۷
وزارت جهاد کشاورزی	۵۰	۴۹۳۴
وزارت دادگستری	۸	۹۲۱
وزارت امور اقتصادی و دارایی	۲۲۹	۹۷۴۸
وزارت راه و ترابری	۳۵	۱۸۳۶
وزارت علوم و تحقیقات و فناوری	۱۰۴	۱۰۲۸
وزارت کار و امور اجتماعی	۲۷	۳۵۲
وزارت کشور	۷۷	۲۹۳۷
وزارت بازرگانی	۳۸	۱۰۷۹

وزارت نفت	۳	۵۳۵
وزارت تعاون	۱۲	۱۷۸
وزارت دفاع	۱	۳۸
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۰	۲۸
جمع کل	۱۱۸۶	۳۸۵۳۰

منظور از مدیران در جدول فوق : مدیران عالی (وزیر ، معاون وزیر ، استاندار و معاون استاندار) مدیر میانه ، مدیر کل و معاون مدیر کل و رؤسای ادارات است .

نمودار شماره ۲ نشانگر رشد شاغلان زن در پست های مدیران عالی ، میانه ، پایه طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ (پروازیان ، ۱۳۸۰: ۲۱)



از کل تعداد ۱۱۸۶ مدیر، ۸ مدیر جزء مدیران عالی ، ۳۹۵ مدیر جزء مدیران میانه و ۸۸۳ مدیر جزء مدیران کل محسوب می شوند.

جدول شماره ۳ نشانگر ترکیب جنس اعضاء و داوطلبان شوراهای شهرو روستا در دو دوره (مرکز امور مشارکت زنان ، ۱۳۸۴:۶۶)

دوره	ترکیب جنسی اعضای شورای شهر و روستا				ترکیب جنسی داوطلبان شوراهای شهرو روستا			
	مرد		زن		مرد		زن	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
اول	۱۶۲۶۴۹	۹۹/۱۶	۱۳۷۳	۸/۴٪	۳۲۸۸۶۲	۹۷/۸۴	۷۲۷۶	۲/۱۶
دوم	۱۵۲۹۷۴	۹۸/۴۹	۲۳۳۸	۱/۵۱	۲۱۳۰۹۱	۹۷/۳۲	۵۸۶۶	۲/۶۸

در این جدول که مربوط به داوطلبان و منتخبان شوراهای شهرو روستا در دو دوره را نشان می دهد ، تفاوت میان مشارکت زنان چه به عنوان منتخب و چه داوطلب ، با مشارکت مردان به وضوح مشخص است . البته میان تعداد منتخبین و داوطلبان در دوره اول و دوم تفاوت وجود دارد و نشاندهنده افزایش تعداد زنان در انتخابات است .

جدول شماره ۴ توزیع زنان داوطلب و منتخب انتخابات مجلس شورای اسلامی در شش دوره

داوطلبان	درصد	منتخبین	درصد
دور اول ۹۰ نفر	۳/۰۲	۴ نفر	۱/۶۶
دور دوم ۳۲ نفر	۱/۹۸	۴ نفر	۱/۶۶
دور سوم ۴۷ نفر	۱/۹۹	۵ نفر	۱/۶
دور چهارم ۸۶ نفر	۳٪	۹ نفر	۳/۶
دور پنجم ۳۵۱ نفر	۶/۴۳	۱۴ نفر	۵/۶

دور ششم ۵۰۴ نفر	۷/۳	۱۲ نفر	۴/۶
-----------------	-----	--------	-----

همان گونه که از جدول پیداست میزان مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی چه به عنوان داوطلب و چه به عنوان منتخب بین دوره اول تا ششم تفاوت چشمگیری نداشته است. نکته قابل توجه در جدول فوق افزایش تعداد داوطلبان در دوره ششم است و این نشانه افزایش تمایل زنان برای ورود به مجلس است. البته این افزایش در تعداد داوطلبان در دور هفتم به ۹/۸۹ درصد از کل داوطلبان رسید. اما به طور کلی هیچ گاه زنان بیشتر از ۵٪ از کل نمایندگان را شامل نمی شدند.

جدول شماره ۵ نشانگر رشد و توزیع سازمان های غیر دولتی زنان به تفکیک گرایش از ابتدای سال ۷۵ تا پایان سال ۸۳ را نشان می دهد. (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰؛ ۸۶)

ابتدای سال ۷۵	فرهنگی و اجتماعی	خیریه ای	تخصصی و فنی	جمع کل
۷۵	۲۴	۱۸	۱۳	۵۵
۷۶	۲۸	۱۹	۲۰	۶۷
۷۷	۳۹	۲۶	۲۴	۸۹
۷۸	۶۰	۴۵	۳۲	۱۳۷
۷۹	۱۱۶	۸۰	۵۲	۲۴۸
۸۰	۱۲۲	۸۴	۵۴	۲۶۰
۸۱	۱۳۱	۸۶	۶۰	۲۷۷
۸۲	۱۶۲	۹۹	۷۶	۳۳۷
۸۳	۲۳۵	۱۲۳	۱۱۲	۴۷۰

همان طور که از جدول فوق پیداست بین سال های ۷۵-۸۳ سازمان های غیر دولتی زنان با رشد چشمگیری روبه رو بوده است.

جزء دوم عوامل تأثیر گذار بر فعالیت ، دسترسی به منابع و مشارکت:

هر جامعه ای دارای مشخصه ها و مؤلفه هایی است که آن را از دیگر جوامع متمایز می کند. فرهنگ ، مذهب و آداب و رسوم و سنن در برخی از جوامع بر دیگر عرصه ها تأثیر بسیاری میگذارد . به این معنا که در جوامع اسلامی ، مذهب دارای جایگاه ویژه ای است . در ایران نیز به همین صورت است ، به این معنا که در ایران فرهنگ و مذهب بر دیگر عرصه ها تأثیر بسیاری دارند . نمی توان به مسئله مشارکت سیاسی زنان پرداخت اما از تأثیرات این دو مؤلفه چشم پوشید . بسیاری معتقدند فرهنگ مرد سالاری در فرهنگ ایران رسوخ کرده است، به گونه ای که حتی زنان تبعیضات رایج میان زنان و مردان را امری طبیعی میدانند. از گذشته های دور، همیشه نقش زن ، بارداری و بچه داری و به طور کلی هر امری که به جنس زن بودن ارتباط دارد منجر به شکل گیری نقش زنانه (برخاسته از جنس زن) شده است . نقشی که طی آن زن فقط به امور داخل منزل می پردازد ، تنهاترین وظیفه اش ادامه نسل خانواده است ، زن ضعیف و فرمان بردار است و لزومی برای حضور وی در خارج از منزل وجود ندارد . از آن سو مرد جنگاور است ، معاش خانواده را تأمین می کند ، قدرت مدیریت دارد و باید به اموری چون ریاست ، فرمان دادن و.... بپردازد. همچنین باید به آداب و رسوم و سنن منسوخ شده درباره عدم مقبولیت حضور زنان در حوزه عمومی اشاره کرد، که از گذشته های بسیار دوری وجود داشته است. از سوی دیگر ،ابهامات موجود و عدم وضوح موضع مذهب در مورد حضور یا عدم حضور زنان در عرصه خارج از منزل نیز منجر به استنباط های متفاوت از مذهب در این باره شده است . برای مثال برخی فقها حضور بی مورد زن در خارج از منزل را منجر به تزییع حقوق شوهر و فرزندان می دانند (محسن زاده ،۱۳۷۷؛۳۹)

اما عده ای دیگر از فقها معتقدند هرگاه زنان در جامعه خود حاضر شوند ، فقه اسلامی هم حضور ایشان را می پذیرد . در واقع حضور زنان براساس نظر این عده موضوعی مردمی و موکول به رأی خود مردم است . آیت الله محمد مهدی شمس الدین معتقد است که در اسلام زن به موازات مرد در تمام امور طبیعی و توانایی ، مشترک اندو این امکان برای زنان وجود دارد

تأخر حدّ احترام به تکالیف شرعی خود از حیث پوشش و مسئله رابطه با مردان نامحرم و مسائل خانوادگی در فعالیت های سیاسی نیز وارد شوند. (شمس الدین، ۱۳۷۶؛ ۳۶)

البته باید اشاره کرد که به طور حتم زنان دارای نقش ها و وظایف خاصی اند که منبعث از جنس آنهاست و نمی توان و نباید آنها را نفی کرد. اما این تصوّر که زنان به جهت دارا بودن این نقش ها نمی توانند در عرصه عمومی از جمله امور سیاسی حضور یابند، اشتباه است.

جزء سوم تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری :

برای ورود به جزء سوم، ابتدا چند سوال را مطرح می کنیم :

- ۱- در دولت اصلاحات چه تحولی در فعالیت زنان در عرصه سیاسی رخ داد؟
 - ۲- در دولت اصلاحات آیا دسترسی زنان به منابع قدرت و کنترل بر منابع بیشتر شد؟
 - ۳- مهم ترین تحول ایجاد شده در حوزه مشارکت سیاسی زنان در دولت اصلاحات چه بود؟
 - ۴- آیا دولت اصلاحات به گونه ای مطلوب پاسخ گوی مطالبات زنان برای ورود به عرصه سیاسی بود ؟
 - ۵- آیا مشارکت سیاسی زنان در دولت اصلاحات نهادینه شد؟
- قبل از پاسخ به سؤالات فوق که می تواند نتیجه گیری هم باشد دستاوردها و چالش های دولت اصلاحات را مورد بررسی قرار می دهیم.

دستاوردها : نقاط مثبت عملکرد دولت اصلاحات در ارتقای مشارکت سیاسی زنان

- ۱- ارتقای مشارکت زنان در فرایند تصمیم گیری در سطح میانه که در مورد آن به تفصیل گفته شد.
- ۲- تلاش دولت اصلاحات برای ترغیب احزاب سیاسی برای منظور کردن زنان شایسته در لیست نامزدهای انتخاباتی شوراها و انتخابات مجلس شورای اسلامی ، که منجر به این شد تا اغلب گروه های سیاسی، تعدادی نامزد نمایندگی زن را به جامعه معرفی کنند، که در نهایت منجر به افزایش تعداد داوطلبان زن در انتخابات ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی شد. (شجاعی، ۱۳۸۳؛ ۱۳۵)

۳- ظرفیت سازی دولت اصلاحات برای ایجاد زمینه مناسب برای شرکت در انتخابات شوراهای شهر و روستا ، در راستای این هدف جهت راهنمایی و تشویق زنان در جلب مشارکت زنان برای نامزدی در انتخابات شوراهای بیش از ۱۰۰ کارگاه آموزشی در سراسر کشور برگزار شد. (شادی طلب، ۱۳۸۱؛ ۱۳۵)

۴- تشکیل فراکسیون زنان در مجلس ششم و حمایت از طرح های پیشنهادی آنها و ایجاد ارتباط میان مرکز امور مشارکت و نمایندگان مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام

۵- فراهم آوردن زمینه مناسب برای حضور زنان در فرایند برنامه ریزی کلان کشور در برنامه سوم توسعه که منجر به حاکم شدن نگرش جنسیتی در برنامه ریزی های توسعه شد. (منظور از نگرش جنسیتی توجه به نقشهای چندگانه زنان و توجه به محرومیت هایی که برای زنان وجود دارد و برنامه ریزی با توجه به اختلاف موجود میان وضعیت زنان و مردان در وجوه گوناگون و تلاش برای رفع محرومیت ها از طریق برنامه ریزی) تلاش دولت اصلاحات در ایجاد نگرش جنسیتی در مراحل تدوین برنامه چهارم هم درج شده است و در نتیجه تعمیق این مباحث در برنامه چهارم نسبت به برنامه های قبلی منجر به ورود زنان صاحب نظر و متخصص در فرایند برنامه ریزی چهارم شد (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۴؛ ۱۷۴)

۶- توجه دولت اصلاحات برای ایجاد زمینه های مناسب برای نهادینه کردن مشارکت سیاسی زنان در قالب سازمان های غیر دولتی زنان قابل توجه است . حمایت از سازمان های غیر دولتی برای ورود برخی از نمایندگان این سازمان ها در شوراهای برنامه ریزی استان ها و شرکت در برخی اجلاس ها و همایش های بین المللی و تلاش برای توانمند سازی این سازمان ها.

۷- وارد کردن گفتمانی نو و تحول یافته درباره موضوع زنان و مسأله مشارکت سیاسی زنان ، به گونه ای که زنان از توانمندیهای خود آگاه اند و جامعه نیز از تمایل و خواست زنان و توانمندیهای آنها با خبر است.

چالش ها: نقاط ضعف عملکرد دولت اصلاحات در ارتقای مشارکت سیاسی زنان

۱- گرچه در سطح میانه مدیریت و تصمیم‌گیری‌ها پست‌هایی برای زنان ایجاد شد و آنان به هیئت دولت راه یافتند و در شوراهای برنامه‌ریزی حضور بیشتری یافتند، اما مشارکت سیاسی نهادینه صرف احراز پست‌هایی (آن هم در سطح میانه) بدون داشتن تأثیرگذاری مستقیم بر تصمیم‌گیری‌ها نیست. حضور رئیس مرکز امور مشارکت زنان در هیئت دولت به عنوان مشاور بدون داشتن حق رأی گرچه گامی مطلوب برای ارتقای مشارکت سیاسی زنان است اما کافی نیست.

مشارکت زنان زمانی ارتقاء می‌یابد که اول؛ مشارکتی همچون مشارکت مردان باشد. برای مثال حضور در هیئت دولت به عنوان وزیر. دوم نهادینه شود یعنی مشارکت زنان در عرصه سیاسی موضوعی نباشد که با تغییر برنامه ریزان و مجریان قدرت مورد توجه یا عدم توجه قرار گیرد. سوم؛ زنان، تنها در پست‌هایی قرار نگیرند که به طور مشخص معطوف به مسائل زنان است مثل ریاست برخی دفاتر امور زنان در برخی وزارتخانه‌ها. مشارکت زمانی واقعی است که در همه سطوح تصمیم‌گیری صورت گیرد و همچنین این مشارکت بر روند سیاستگذاری‌ها تأثیر گذار باشد. چهارم؛ مشارکت زمانی به معنای واقعی تبلور می‌یابد که زنان بر نتایج حاصل از مشارکت کنترل داشته باشند.

۲- از ضعف‌های دیگر دولت اصلاحات، ضعف تشکیلاتی دفاتر زنان در نهادها و سازمان‌های دولتی است. دفاتر زیادی در سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی ایجاد شد، در این دفاتر تشکیلاتی چون ستاد امور بانوان و یا اداره کل بانوان وجود داشته است که بعضاً در تصمیم‌گیری‌ها فاقد نقش اساسی و حتی در جریان تصمیم‌گیری هم قرار نداشتند. همچنین است ضعف ارتباطات بین بخشی که منجر به ضعف در فعالیت‌های گروهی و بین بخشی و هماهنگی بین بخش‌های اجرایی امور زنان شد. ضعف در بخش اطلاع‌رسانی در تشکیلات دولتی زنان نیز قابل ذکر است که تأثیر نامطلوبی بر روند شناسایی مشکلات زنان در حوزه‌های مختلف گذاشته و امکان برنامه‌ریزی صحیح را از برنامه ریزان سلب کرده است.

۳- در مورد سازمان‌های غیر دولتی زنان، صاحب نظران معتقدند این سازمان‌ها در بستری غیرطبیعی شکل گرفتند و به طور عمده دارای اهدافی به غیر از اهداف سیاسی بودند و ساختاری نیمه سنتی و نیمه مدرن آنها مانع از فعالیت مؤثر و مفید آنها شده است.

اما یکسری نقدهایی متوجه دولت اصلاحات است که می توان گفت این نقدها در خصوص عملکرد دولت اصلاحات در مورد مشارکت سیاسی زنان هم قابل طرح است ، از جمله این نقدها می توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف- توجه بیش از اندازه دولت اصلاحات به توسعه سیاسی و غفلت از دیگر ابعاد توسعه . در واقع توسعه برای پایایی و نهادینه شدن می باید که همه جانبه باشد . در حوزه مسائل زنان حتی در صورتی که زنان در فرایند توسعه سیاسی از ارتقای مطلوب جهت مشارکت در امور سیاسی برخوردار شوند ، چگونه می توان به این توسعه تک بُعدی اتکاء کرد زمانی که در عرصه اقتصادی و فرهنگی دارای جایگاه معین و مطلوبی نباشند.

ب- برخی فقدان استراتژی و برنامه ریزی را به عنوان یکی از ضعف های دولت اصلاحات یاد می کنند . فقدان استراتژی جامع و روشن در دولت اصلاحات به طور کامل مشهود بود.(افروغ ، ۱۳۸۰؛ ۲۴۵) در واقع اصلاح طلبان بعد از پیروزی ضمن کسب قدرت در قوه مجریه ، در مجلس و شوراهای اسلامی هم از قدرت زیادی برخوردار شدند و می توانستند با بهره گیری از استراتژی مناسب از قدرت به دست آمده به درستی استفاده کنند. این فقدان استراتژی و برنامه ریزی در حوزه مسائل زنان نیز دیده می شد.

ج- برخی به عدم توجه دولت اصلاحات به ضعف ها و چالش های خود اشاره می کنند. همچنین شکل گیری رقابت میان اصلاح طلبان منجر به انفکاک میان آنها شد. **د-** از دیگر نقد هایی که به دولت اصلاحات شده ، تقلیل خواسته های مردم به اهداف خودشان است، به این معنا که مردم با مطالبات زیادی به اصلاحات رأی دادند اما اصلاح طلبان مطالبات مردم را به اهداف خودشان تقلیل دادند. شاید این به دلیل نخبه گرایی و عدم ارتباط با عامه مردم بود . در واقع نخبگان فکر می کردند که همه مسائل را خودشان در حلقه های بسته چانه زنی می توانند بدون اینکه از حمایت اجتماعی برخوردار باشند حل کنند.(سلیمی ، ۱۳۸۴؛ ۶۳)

نتیجه گیری: در شروع جزء تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری چند سؤال مطرح شد که پاسخ آنها نتیجه به دست آمده از این پژوهش است . در پاسخ به سؤال اول همان گونه که در قسمت عملکرد دولت اصلاحات در مرحله رفاه آمد ، عمده ترین بستر ایجاد شده برای فعالیت سیاسی آنان ، ارتقای مدیریت سیاسی زنان در سطح میانه بود و البته همانطور که توضیح داده شد این

جایگاه دارای قدرت تصمیم‌گیری زیادی نبود. از سوی دیگر زنان در این دولت نیز به عرصه کلان مدیریت و تصمیم‌گیری راه نیافتند.

در مورد سؤال دوم باید گفت که : در حوزه دسترسی عمل کرد دولت اصلاحات در تقویت سازمان‌های دولتی و غیردولتی زنان قابل توجه است. اما همان‌طور که گفته شد این سازمان‌ها دارای نقص‌هایی چون ضعف ساختاری (سازمان‌های غیردولتی) و عدم تأثیرگذاری (سازمان‌های دولتی) بود. در مورد شوراهای شهروستا، زمینه‌ها به گونه مطلوب‌تری ایجاد شده بود. اما در حوزه کنترل زنان بر منابع قدرت کنترلی نداشتند. منابع در دسترس زنان منابع عالی قدرت محسوب نمی‌شدند. زنان در دولت اصلاحات به منابع قدرتی که در دسترس مردان بود دسترسی نداشتند چرا که به سطوح عالی قدرت راه نیافتند، از جمله پست‌هایی که در سطوح میانه تصمیم‌گیری ایجاد شده یا عمدتاً مرتبط با دفاتر و تشکیلات زنان بود و یا جایگاهی در شوراهای برنامه‌ریزی استان‌ها که حق رأی نداشت.

در پاسخ به سؤال سوم باید گفت : شاید مهم‌ترین تحول که در دولت اصلاحات برای ارتقای مشارکت سیاسی زنان صورت گرفت، ایجاد گفتمانی نو از حضور زنان در عرصه سیاسی بود. در واقع شکست تابوها در مورد حضور زنان در عرصه سیاسی مهمترین دستاورد دولت اصلاحات بود، که در نهایت منجر به حاکم شدن نگرش جنسیتی در برنامه چهارم توسعه شد. در پاسخ به سؤال چهارم باید گفت : در دولت اصلاحات به مطالبات و انتظارات زنان در مورد مشارکت سیاسی به درستی پاسخ داده نشد. در واقع منشأ این مطلب را می‌توان در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ یافت زمانی که سید محمد خاتمی و اصلاح‌طلبان به زنان وعده‌هایی چون حضور در هیئت دولت به عنوان وزیر را می‌دادند که محقق نشد. شاید همین وعده‌ها منجر به اقبال زنان به جناح اصلاحات شد.

با توجه به آنچه در مراحل پنج‌گانه آمد در مرحله رفاه؛ فعالیت زنان در مقایسه با مردان بسیار ناچیز و محدود و در مرحله دسترسی نیز که متأثر از مرحله رفاه بود منابع قدرت در دسترس زنان جزء منابع عالی قدرت نبودند. گذار از مراحل رفاه و دسترسی به طور ناقص انجام شد و از این رو مشارکت زنان در عرصه قدرت و سیاست در این دوره ناقص و محدود بود. از سوی دیگر، زنان هیچ کنترلی بر اعمال مشارکت محدودشان نداشتند. چرا که اگر زنان بر نتایج مشارکت خود کنترل داشتند مشارکتی نهادینه شکل می‌گرفت و ارتقا می‌یافت.

منابع :

- اثنی عشری ، شهرزاد ، ۱۳۸۵، *از دولت اسلامی تا دولت اصلاحی* ، تهران ، عطایی.
- افروغ ، عماد ، ۱۳۸۰ ، *چالش های کنونی ایران* ، تهران ، سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
- بیران ، صدیقه ، ۱۳۸۱، *نشریات ویژه بانوان (سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر)* تهران ، روشنگران و مطالعات زنان .
- پروازیان ، سمیه ، ۱۳۸۰ ، *بررسی اجمالی وضعیت زنان سالهای ۵۵-۸۰* ، تهران ، مدیریت آمار برنامه ریزی و مطالعات زنان.
- راش ، مایکل ، ۱۳۷۷ ، *جامعه سیاست* ، ترجمه منوچهر صبوری ، تهران ، سمت.
- زنان در آئینه اصلاحات ، *مجموعه سخنرانی ها و مصاحبه های آقای خاتمی درباره زنان* ، تهران ، مرکز امور مشارکت زنان ، برگ زیتون .
- زنان مشارکت در دولت هفتم* ، ۱۳۸۰، تهران ، مرکز امور مشارکت زنان ، برگ زیتون .
- زنان و مشارکت در دولت هشتم* ، ۱۳۸۰ ، تهران ، مرکز امور مشارکت زنان ، برگ زیتون .
- زنان و مشارکت سیاسی و اجتماعی* ، ۱۳۸۰ ، تهران ، مرکز امور مشارکت زنان ، برگ زیتون .
- سلیمی ، حسین ، ۱۳۸۴، *کالبد شکافی ذهنیت اصلاح گرایان* ، تهران ، گام نو.
- شادی طلب ، ژاله ، ۱۳۸۱، *توسعه و چالش های زنان ایران* ، تهران ، قطره.
- شجاعی ، زهرا ، ۱۳۸۳، *برای زنان فردا*، جلد اول ، تهران ، سوره مهر.
- شجاعی، زهرا، ۱۳۸۰ ، *زنان و مشارکت واقعی* ، فصلنامه ریحانه شهری ، سال ۱۳۸۰، دوره سوم، ص ۳ .
- شمس الدین ، محمد مهدی ، ۱۳۷۶، *حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام* ، ترجمه محسن عبادی ، تهران ، بعثت.
- طغرانگار ، حسن ، ۱۳۸۳، *حقوق سیاسی و اجتماعی زنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران*، تهران ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* ، ۱۳۷۸، تهران ، دوران.

کولایی ، الهه ، حافظیان ، حسین ، ۱۳۸۴ ، نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی ، تهران ، دانشگاه تهران .

گزارش اجرای ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه ، ۱۳۸۴ ، تهران ، روز نو .
گزارش تحوّل وضعیت زنان طی سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ ، ۱۳۸۴ ، تهران ، سوره مهر .
لانگه ، سارا ، ۱۳۷۶ ، نقش زنان در توسعه ، روشنگران و مطالعات زنان .
محسن زاده ، سعید ، زنان در جامعه مدنی چه اندازه سهم دارند؟ تهران ، قطره .

Moccosky; ۱۹۶۸ *International encyclopedia social science* .
Vol .I (Newyork). Political participation
M.Molynex and S . Razavi.۲۰۰۱; *Gender justice Development and Rights*. Oxford University.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی